

۹ کاندیدای رقیب و فرضیه ریزش آرای خاتمی

ترکیب کاندیداها، سابقه و شخصیت اجتماعی، مدیریتی و سیاسی ایشان،
این نظریه را که حضور آنها در انتخابات سبب ریزش مقدار قابل توجهی از
آرای آقای خاتمی خواهد شد، جدی کرده است

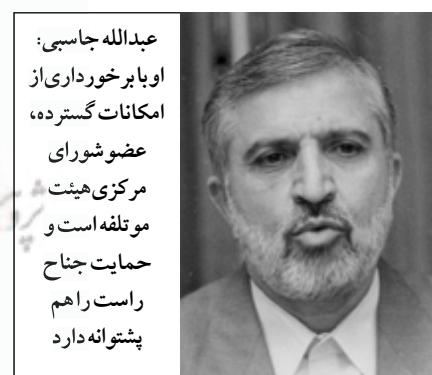
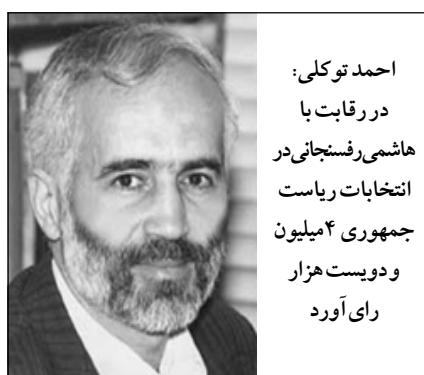
حجت‌الاسلام اکبر هاشمی بهرمانی (رفسنجانی)
و عباس شیبانی
ششمین انتخابات (بیست و یکم خرداد ماه ۱۳۷۲): حجت‌الاسلام اکبر هاشمی بهرمانی (رفسنجانی)، احمد توکلی، عبدالله جاسبی و رجعی طاهری هفتمین انتخابات (دوم خرداد ماه ۱۳۶۷): حجت‌الاسلام سید محمد خاتمی، حجت

حسن حبیبی، داریوش فروهر، صادق طباطبایی، کاظم سامی، قطب زاده و عده‌ای دیگر که ازین آن‌ها ابوالحسن بنی صدر انتخاب شد. پس از عزل بنی صدر، برای گزینش دومین رئیس جمهور (تاریخ برگزاری انتخابات دوم مرداد ماه ۱۳۶۰) چهار نامزد اصلی و تأیید شده عبارت بودند از: [شهید] محمد علی رجایی، عباس شیبانی، اکبر پرورش و حبیب‌الله عسکراولادی مسلمان، که برنده انتخابات محمد علی رجایی بود.

انتخاب نهایی شورای نگهبان در زمینه تأیید صلاحیت نامزدهای هشتمین دوره انتخابات ریاست جمهوری، پرسش معناداری را در برخی محافل سیاسی و نیز در ذهن ناظران و تحلیل‌گران، مطرح کرد. آن پرسش این است: چرا برخلاف عرف حاکم بر نحوه تأیید صلاحیت نامزدهای احرار پست ریاست جمهوری

احمد توکلی:
در رقبات با
هاشمی رفسنجانی در
انتخابات ریاست
جمهوری ۴ میلیون
و دویست هزار
رأی آورد

عبدالله جاسبی:
او با برخورداری از
امکانات گسترده،
عضو شورای
مرکزی هیئت
موقفه است و
حمایت جناح
راست راه
پشتونه دارد



الاسلام علی اکبر ناطق نوری، حجت‌الاسلام ری‌شهری و سید رضا زواره‌ای با این سوابق و با توجه به ترکیب نامزدهای انتخابات ریاست جمهوری گذشته، آیا تأیید صلاحیت ۸ غیرروحانی در مقابل دو روحانی در این دوره، نمی‌تواند به عنوان یک نقطه عطف، یا اجرای برنامه‌ای حساب شده برای پررونق کردن انتخابات، یازمینه سازی برای انتقال ریاست قوه مجریه به افراد غیرروحانی درآینده و یا برنامه‌ای برای رسیدن هم زمان به دو هدف دیگر، یعنی:

تاکنون پست ریاست جمهوری همواره در اختیار یک روحانی بوده است. از همان دوره، ترکیب نامزدهای تأیید صلاحیت شده به گونه‌ای بوده که همواره قبل از انتخابات مشخص بود که یک روحانی برگزیده خواهد شد. ترکیب نامزدها در انتخابات بعدی از این قرار بوده است: چهارمین انتخابات (بیست و پنجم مرداد ماه ۱۳۶۴): آیت‌الله سید علی خامنه‌ای، سید محمود کاشانی و حبیب‌الله عسکراولادی مسلمان پنجمین انتخابات (ششم مرداد ماه ۱۳۶۸):

در چند دوره اخیر، در این دوره هشت غیرروحانی و فقط دو روحانی تأیید صلاحیت شدند؛ برای روشن شدن موضوع، به ترکیب نامزدها در هفت انتخابات گذشته ریاست جمهوری نظر می‌افکنیم. در دور اول و دوم، هیچ روحانی کاندیدای ریاست جمهوری نبود. در دور اول (تاریخ ۱۳۵۸) برگزاری انتخابات پنجم اسفند ماه ۱۳۵۸ شاخص‌ترین چهره‌هایی که نامزد شدند، این افراد بودند: ابوالحسن بنی صدر، دریادار احمد مدنی،

سود آقای هاشمی طبا ارزیابی کرده‌اند.
۳- سید محمود کاشانی (پسر مرحوم آیت‌الله کاشانی)؛ وی معارضی مستقل از سه جناح سیاسی عمدۀ کشور (چپ، راست و کارگزاران) دارد. نقدۀای علمی وی از برنامه دولت‌های گذشته و کاستی‌های موجود، عده‌ای از دانشگاهیان و افراد مستقل [رأی دهنگان مستقل] را طرفدار وی کرده است. جالب است بدانیم در دوره چهارم که آقای حبیب‌الله عسکر اولادی فقط ۲۸۲ هزار رأی کسب کرد، وی یک میلیون و سیصد و نود رأی آورده بود.

دیدگاه‌های دیگر

با توضیحاتی که داده شد، اگر ترکیب نامزدۀای تأیید صلاحیت شده از طرف شورای نگهبان را در کاهش میزان آرای خاتمی ارزیابی کنیم، متوجه می‌شویم وی دست کم با ۷ فرد به عنوان رقبایی جدی، مواجه است. این بدان معنا نیست که آقای خاتمی رأی کافی نخواهد آورد. اما نکته در خور اعتمایان است که برخی مخالف معتقدند برنامه‌ای ماهرانه چیده شده که آرای آقای خاتمی نسبت به انتخابات دوم خرداد ۱۳۷۶ ریزش قابل توجهی داشته باشد.

گروهی دیگر از کارشناسان به یک اصل روانشناسی اجتماعی اشاره دارند و می‌گویند: در خرداد ۱۳۷۶ مردم بیش از دو گزینه پیش رو نداشتند. این دو گزینه را می‌توان "چپ" در برابر "راست"، یا چنانکه تبلیغات انتخاباتی آن دوران ترسیم کرده بود، "سیاه" در برابر "سفید" و یا "لبخند و رأفت" در مقابل "خشونت و تحکم" نامید، اما در این دوره، گزینه‌های دیگری هم وجود دارد که نه سیاه است و نه سفید. دست کم گروهی از مردم حق گزینش خاکستری را هم دارند.

چند موضوع دیگری که باید مورد توجه قرار

آقای هاشمی رفسنجانی)
آقای حسن غفوری فرد نیز به دلیل سوابق ممتد اجرایی از یک سو و نفوذ در برخی ماحفظ سیاسی (مثل جامعه اسلامی مهندسین) رأی در خور اعتمای کسب خواهد کرد. در مورد حجت‌الاسلام فلاحتیان نمی‌توان داوری کرد، زیرا مشخص نیست وی غیر از امید به حمایت غیرعلنی جناح راست، با حمایت و پشتونه کدام گروه‌های سیاسی وارد عرصه رقابت شده است. لذا در این مرحله، مآثرای وی را در ریزش آرای آقای سید محمد خاتمی چندان مؤثر ارزیابی نمی‌کنیم.

سه فرد دیگر از غیرروحانیون هستند که می‌توان حضور آنها را در ریزش آرای آقای سید محمد خاتمی مؤثر ارزیابی کرد. به این شرح و با این مشخصات:

۱- دریادار علی شمخانی: در انتخابات دوره



حسن
غفوری فرد:
او نیز عضو
شورای مرکزی
هیئت مولته و
مورد حمایت
جانح راست
است.

برگزاری یک انتخابات با تعداد رأی دهنده بالا و ۲ در عین حال، ریزش آرای سید محمد خاتمی، تلقی شود؟

برای رسیدن به یک نتیجه گیری نسبی، موضوع را باید از چند زاویه بررسی کرد.

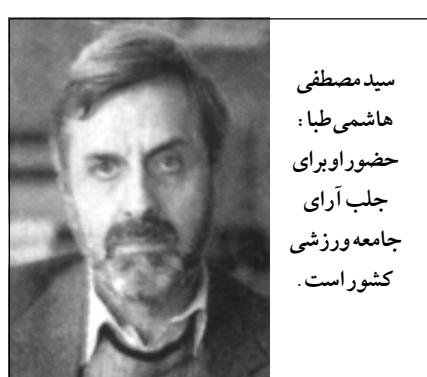
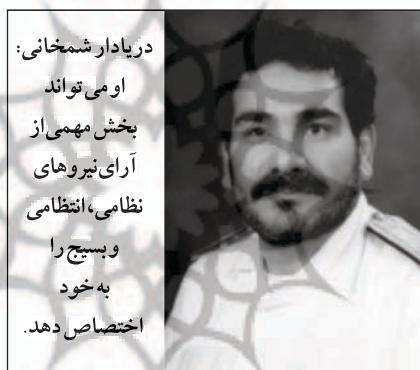
نخستین مبحث، نقش جناح راست در این انتخابات است. در ظاهر امر این جناح کاندیدای مشخصی را معرفی نکرده است. اما اگر به ترکیب نامزد‌ها بنگریم، متوجه می‌شویم حداقل چهار نفر

از نامزد‌ها گرچه به عنوان نامزد مستقل ثبت نام کرده‌اند، اما از بزرگان جناح راست و یا برخوردار از حمایت این جناح هستند. این چهار نفر عبارتند از: ۱- آقای احمد توکلی -۲- آقای عبدالله جاسبی (که از افراد مؤثر مؤلفه نیز بوده است) -۳- آقای حسن غفوری فرد -۴- حجت‌الاسلام علی فلاحتیان.

اگر از دریچه نگاه برنامه ریزان جبهه دوم خرداد به قضایا تنگریم و امور را بی طرفانه و واقع‌بینانه مورد ارزیابی قرار دهیم، ناگزیر اذعان خواهیم کرد که جناح راست طرفداران خاص خود و امکانات قابل توجهی دارد. همین طرفداران و امکانات موجب می‌شود چهار نفر فوق الذکر، بخشی از آرای رأی دهنگان را به خود اختصاص دهد که این وضع به معنای ریزش بخشی از آرای آقای سید محمد خاتمی است.

گفتنی است که از بین این چهارت تن، آقای عبدالله جاسبی، که در انتخابات ششم یک و نیم میلیون رأی کسب کرده بود، امکانات بالقوه بیشتری را در اختیار دارد که قسمتی از آن را در گستردگی برنامه پژوهشی تبلیغاتی وی مشاهده کردیم.

آقای احمد توکلی هم که در انتخابات ششم، رقیب اصلی آقای هاشمی رفسنجانی بود، توانست رأی قابل ملاحظه‌ای کسب کند (با چهار میلیون و دویست هزار رأی در مقابل ده و نیم میلیون رأی



نظرسنجی‌هادر ایران در موارد بسیار نادری با رویدادها انطباق می‌یابند. علت این وضع را باید در عوامل متعددی جستجو کرد: عدم گستردگی جامعه آماری، بهره‌گرفتن از شیوه‌های آمارگیری تقلیدی که در جامعه ما جواب نمی‌دهد، تغییر نظر قشرهایی از اجتماع در برخورد با حوادث ناگهانی و ...

در مورد میزان محبوبیت آقای خاتمی و میزان رأی ایشان در انتخابات ۱۸ خرداد، مداده‌های دو نظرسنجی را در زیر منعکس می‌کنیم. یک نظرسنجی را مؤسسه ملی پژوهش افکار عمومی در ۲۲ و ۲۳ دی ماه ۱۳۷۹ انجام داده است و دیگری را واحد نظرسنجی "گزارش".
ابتدا یافته‌هایی از نظرسنجی مؤسسه ملی پژوهش افکار عمومی را منعکس می‌کنیم:



حجت
الاسلام
فلاحیان:
در مورد
میزان رأی
اوئمی توان
نظر
قطعی داد.

این نظرسنجی از ۱۱۸ نفر مرد و زن ۱۶ سال به بالای ساکن مناطق بیست‌گانه تهران انجام شده است (۵۳٪ و نیم در صد زن بوده اند و ۴۶٪ و نیم در صد مرد) چکیده یافته‌هایی از این نظرسنجی به قرار زیر است:

■ ۷۷ و هشت دهم درصد کل پاسخگویان به آقای خاتمی اعتماد زیاد دارند (۳۱٪) و هشت‌دهم درصد "خیلی زیاد" و ۴۶٪ در صد "نسبتاً زیاد". داشن آموزان، زنان خانه دار، سالخورده‌گان ۵۵ سال به بالا و جوانان ۱۶ تا ۲۴ سال، و کم سوادترها بیشتر به ایشان اعتماد دارند.

■ ۲۸ و یک دهم درصد کل پاسخگویان از عملکرد آقای خاتمی تاکنون راضی هستند (۲۹٪) در صد "کاملاً راضی" و ۵۴٪ و یک دهم درصد "نسبتاً راضی".

■ بافرض برگزاری انتخابات ریاست جمهوری

احتمالی رأی آقای خاتمی سؤال کرده بود، گفت: "کاهش احتمالی رأی آقای خاتمی کاملاً طبیعی است، همان گونه که این اتفاق در دوران ریاست جمهوری مقام رهبری و آقای هاشمی رفسنجانی به وقوع پیوست." (رسالت هفتم خردادماه ۸۰ به نقل از خبرگزاری جمهوری اسلامی) اما از سوی دیگر، برنامه‌ریزان دوم خردادی

برای به حداقل رساندن این ریزش رأی و حتی منتقی کردن آن، تمهداتی را به اجرا گذاشته بودند که نقطه ثقل آن بر روی جوانان و مخصوصاً نوجوانانی که در این چهارساله به سن رأی دادن رسیده‌اند، متوجه شده بود. تشکیل ستاد ویژه‌ای با عنوان "ستاد رأی اوئل ها"، ایجاد یک دیدارگاه اینترنتی برای این ستاد و انتشار ویژه‌نامه‌هایی که مخاطبان آنها نوجوانان بودند، بخشی از این برنامه‌ها را تشکیل می‌داد.

اگر بر اساس جدول رشد جمعیت ایران، عده نوجوانانی را که تا قبل از اصلاحیه اخیر در رابطه با حداقل سن رأی دهنده‌گان، هرسال به سن رأی دادن می‌رسند اندیکی بیش از ۸۰۰ هزار نفر در نظر بگیریم، بین ۳ میلیون و دویست هزار نوجوان تا ۲ میلیون و نیم می‌باید در این دوره بر عده رأی دهنده‌گان برای انتخابات رییس جمهور افزوده می‌شد. اما با آن اصلاحیه، عده این کروه از رأی دهنده‌گان به ۷ میلیون نفر بالغ شده و همین عدد، حکمت آن اصلاحیه را نشان می‌دهد. کروه‌های دوم خردادی نیز عده تبلیغات خود را برای جلب آرای همین کروه اختصاص داده‌اند. حال اگر فرض بگیریم همه این افراد هم به آقای خاتمی رأی بدهند باز این پرسش مطرح است که آیا رأی فرادر از ۲۰ میلیونی خرداد ۱۳۷۶ در خرداد ۱۳۸۰ برای آقای خاتمی تکرار خواهد شد؟

در ابتدای این تحلیل، اثرات حضور ۹ کاندیدای رقیب و میزان آرایی را که احتمالاً عده‌ای از آنها به خود اختصاص خواهند داد، مورد ارزیابی قرار دادیم. اگر فرض را بر این بگذاریم که نوجوانانی که به سن رأی دادن رسیده‌اند، جبران عدم حضور کسانی را که به پیله بی تفاوتی خزیده‌اند، خواهند کرد، بنابراین بازهم به نظر می‌رسد اگر شرایط غیرمنتظره‌ای پیش نیاید، کاهش آرای آقای خاتمی امری محتمل است.

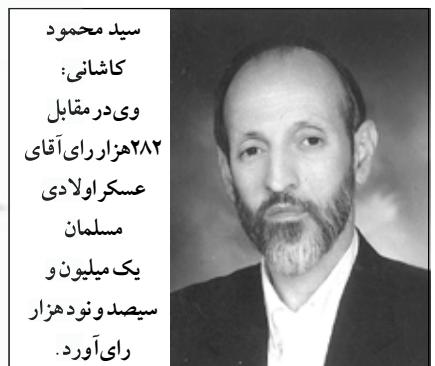
به دلایل مختلف، آمارهای حاصل از

گیرد، از این قرار است:

- بخشی از مردم نسبت به عملکرد چهارسال گذشته، دیدی منفی دارند. بدین سبب، یا رأی نمی‌دهند و یا گزینه دیگری خواهند داشت.
- مهم ترین ابزار تبلیغات حامیان آقای خاتمی در انتخابات دوم خرداد ۱۳۷۶، مطبوعات وابسته به اصلاح طلبان بود که اکنون اکثر آنها در توقيف هستند.

- عده‌ای از مؤثرترین نقش‌آفرینان گروه‌های دوم خردادی از صحنه حذف شده‌اند، لذا موتور تبلیغاتی گروه موسوم به اصلاح طلبان، قادر سالق را ندارد.
- تنش و التهاب سال ۱۳۷۶ حاکم نیست، همان تنش و التهابی که بخشی از رأی ندهنده‌گان را از پیله بی تفاوتی بیرون آورد و به پای صندوق‌های رأی

سید محمود
کاشانی:
وی در مقابل
۲۸۲ هزار رأی آقای
عسکر اولادی
مسلمان
یک میلیون و
سیصد و نود هزار
رأی آورد.



کشاند. رفتار این کروه را که عده آنها قابل چشم پوشی هم نیست، از پیش نمی‌توان حدس زد. ممکن است در انتخابات شرکت نکنند و یا اگر کردن بخشی به حجت‌الاسلام سید محمد خاتمی رأی بدهند و بخشی به سایر نامزدها.

یک بررسی آماری

ده روز مانده به برگزاری انتخابات هشتمین دوره انتخابات ریاست جمهوری، فضای عمومی چنان بود که عده‌ای ریزش آرای آقای خاتمی را محتمل می‌دانستند. حتی سخنان برخی از بزرگان و نظریه پردازان گروه‌های وابسته به جبهه دوم خرداد، حاکی از قبول این واقعیت بود. به عنوان نمونه، آقای محسن آرمین نماینده مجلس و از سران سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی، روز هفتم خرداد در جمع دانشجویان دانشگاه سهند تبریز در پاسخ به پرسش یکی از دانشجویان که راجع به علت کاهش

درصد متوسط، ۲۵ درصد ضعیف، ۸ و ۳ دهم درصد بد.

■ **عملکرد دولت آقای خاتمی در زمینه مسائل اقتصادی را چگونه ارزیابی می‌کنید؟**
۵ و ۵۵ صدم درصد خوب، ۴۵ و ۸۳ صدم درصد متوسط و ۵۵ صدم درصد ضعیف، ۱۹ و ۴۴ صدم درصد ضعیف.

■ **عملکرد دولت آقای خاتمی را در زمینه گشایش فضای فرهنگی چگونه ارزیابی می‌کنید؟**

۲۶ و ۲۶ صدم درصد خوب، ۲۸ و ۸ دهم درصد خوب، ۲۵ درصد ضعیف، ۸ و ۳ دهم درصد ضعیف.
■ **عملکرد دولت آقای خاتمی را در مورد حادثه کوی دانشگاه چگونه ارزیابی می‌کنید؟**
۱۱ و ۱۱ صدم درصد خوب، ۱۸ و ۵ صدم درصد متوسط، ۳۴ و ۷۲ صدم درصد ضعیف، ۲۴ و ۷۲ صدم درصد بد.

فرضیه‌دیقیقه ۹۰۵

این آمارگیری‌ها زمانی انجام شد که هنوز تبلیغات انتخاباتی کاندیداهای آغاز نشده بود. با شروع این تبلیغات داوری‌ها کمابیش دستخوش تغییر شد. کما این که وقتی روز دوشنبه ۷ خرداد آقای خاتمی در استادیوم شهید شیرودی سخنرانی کرد، برخی کسانی که نسبت به عملکرد دولت ایشان قضاوی منفی و انتقادی داشتند، در دیدگاه‌های خود تجدید نظر کردند.

این امکان هست در ۱۱ روز باقی مانده همین‌ها هم از زیر تأثیر آن سخنرانی بیرون آیند و نظرگاه‌های قبلی خود را داشته باشند و البته ممکن است کسان بیشتری در مورد عملکرد دولت آقای خاتمی به دیدگاه‌های منفی برسند. معروف است که ملت ایران در مسائل سیاسی در دقیقه ۹۰ زودرس در زمینه انتخابات آتی، دور از منطق است. خلی از امور مرتبط با این انتخابات هنوز مجھول است، اما یک امر واضح و غیرقابل انکار است: همه گروه‌های سیاسی در یک زمینه نظر و خطمشی واحدی دارند و آن، حضور گسترده مردم در انتخابات است، زیرا همه آنها می‌دانند نتیجه این انتخابات وعده شرکت کنندگان در آن، در تعیین جایگاه جهانی نظام تأثیری غیرقابل انکار دارد.

حاصل از اخذ رأی در کل کشور، تفاوت‌های اساسی باداده‌های این نظرسنجی‌ها داشته باشد، بسیار محتمل است. دلیل نیز این است که باورها، تمایلات، خواسته‌ها و داوری‌های مردم مناطق مختلف کشور با یکدیگر متفاوت است.

واما در مورد نظرسنجی "کزارش":

این نظرسنجی شامل ۸ پرسش و عده پرسش شوندگان و جامعه آماری مورد مطالعه نیز کمابیش مشابه مؤسسه ملی پژوهش افکار عمومی بوده است. پرسش‌ها و داده‌های نظرسنجی "کزارش" به شرح زیر است:

■ **آیا در انتخابات آتی شرکت می‌کنید و به آقای خاتمی رأی می‌دهید؟**

نتیجه نظرسنجی‌های

متفاوت، تعداد

آقای خاتمی آقای خاتمی

۲۳۳ تا ۱۷ را

میلیون رأی

پیش بینی

کرده است

۴۱ و شش دهم درصد آری، ۲۲ و هشت دهم درصد هنوز تصمیم نگرفته‌ام، ۳۵ و شش دهم درصد در انتخابات شرکت نمی‌کنم.
■ **از نظر شما، محبوبیت آقای خاتمی نسبت به خرداد ۱۳۷۶ در چه وضعیتی است؟**
۲۲ و ۲ دهم درصد تغییر نکرده، ۱۹ و چهارم دهم درصد افزایش یافته، ۵۱ و ۳ دهم درصد کاهش یافته، ۶ و ۹۴ صدم نظری ندارم.

■ **آقای خاتمی با چه میزان رأی شانس انتخاب مجدد دارد؟**

۲۳ و ۳ دهم درصد بارأی بالا، ۲۵ درصد بارأی متوسط، ۳۸ و ۲۶ صدم درصد بارأی ضعیف، ۱۵ و ۲۷ صدم درصد نمی‌دانم.

■ **عملکرد دولت آقای خاتمی را در گشایش فضای سیاسی چگونه ارزیابی می‌کنید؟**
۲۹ و ۱۶ دهم درصد خوب، ۳۸ و ۸۸ صدم

با کاندیداتوری آقای خاتمی، ۵۷ و ۶ دهم درصد کل افراد نمونه به ایشان قطعاً رأی می‌دهند، ۱۰ و ۷ دهم درصد افرادی ایشان رأی نمی‌دهند، ۱۷ و چهار دهم درصد نیز رأی خود را منوط به مشخص شدن سایر کاندیداهای می‌دانند.

■ **۷۶ و نه دهم درصد افرادی که در خرداد ۷۶ واجد شرایط رأی دادن نبودند، در انتخابات آینده به آقای خاتمی رأی می‌دهند.**

■ **۵۳ و ۲ دهم درصد کل پاسخگویان بهترین فرد برای ریاست جمهوری خرداد ۸۰ را آقای خاتمی می‌دانند.**

■ **به عقیده ۳۰ و نه دهم درصد کل پاسخگویان، بیشترین مانع بر سر راه رییس جمهور برای انجام وظایفش از سوی "شخصیت‌ها و نهادهای رسمی نظام" ایجاد شده است.**

■ **۶۷ و هفت دهم درصد کل پاسخگویان معتقدند آقای خاتمی برای تحقق خواسته‌های مردم از اختیارات کافی برخوردار نبوده‌اند.**

ماسه‌فرض رادر رابطه با نتیجه این نظرسنجی و با در نظر گرفتن سه عدد در رابطه با عده شرکت کنندگان در انتخابات ۱۸ خرداد ۱۳۸۰ مطرح می‌کنیم:

اگر عده شرکت کنندگان در انتخابات را ۲۰ میلیون نفر در نظر بگیریم، عده ۵۷ و شش دهم درصدی ذکر شده در نظرسنجی فوق الذکر که به آقای خاتمی رأی خواهد داد ۱۷ میلیون و ۲۸۰ هزار نفر خواهد بود.

اگر عده شرکت کنندگان در انتخابات را ۲۵ میلیون نفر در نظر بگیریم عده رأی دهنگان به آقای خاتمی ۲۰ میلیون و ۱۶ هزار نفر خواهد بود و اگر عده شرکت کنندگان را ۴۰ میلیون نفر در نظر بگیریم، عده رأی دهنگان به آقای خاتمی ۲۳ میلیون و ۴۰ هزار نفر خواهد بود.

طبیعی است اگر عده شرکت کنندگان در انتخابات کمتر از ۳۰ میلیون نفر باشد، آرای آقای خاتمی (برحسب نظرسنجی مردم بحث) باز هم از ۷ و چهار دهم میلیون کمتر خواهد بود.

اشکال اساسی نظرسنجی مردم بحث (و همچنین نظرسنجی انجام شده به وسیله "کزارش") در این است که فقط بخشی از جامعه ایران، یعنی مناطق بیست کانه تهران (و نه حتی تهران بزرگ) را تحت پوشش قرار داده است، لذا این امکان که نتایج